

سبک زندگی

سبک نگرش



نگاهی به الزامات اخلاقی تولید مثل

بیچہ دار شدن

فقط یک مسئلہ شخصے نیست

باید انجام دهم و اینکه بقیه از من چه در خواست
یا انتظاری دارند. تصمیم شخصی می تواند
خصوصی باشد، یعنی نباید مورد پرس و جو
یا انتقاد اخلاقی طرف های سوم قرار گیرد،
اما در عین حال می شود درباره آنها، از منظر
اول شخص کسی که خواهان راهنمایی اخلاقی
است، سؤالات اخلاقی پرسید.

در اکثر موارد، خیلی سختگیرانه است که فکر کنیم افراد باید احساس گناه یا شرم کنند چون تصمیم نادرستی در مورد تولید مثل گرفته‌اند. به همین خاطر باید فکر کنیم که اکثر احکام اخلاقی درباره این مسائل، این چنین سخت‌گیرانه نخواهند بود. مثلاً شاید ملاحظاتی اخلاقی کنید که ما وجود دارد مشکلات مالی نباید بچه‌دار شد، اما حتی در چنین شرایطی به تصمیم به بچه‌دار شدن مشکلی ندارد؛ این چیزی نیست که کسی به خاطر آن احساس گناه کند.

درک این تمایز مهم است. اگر آن را درک نکنیم، بیزاری ما از الزامات سختگیرانه اخلاقی در مورد تصمیمات تولید مثل ممکن است ما را اشتباهاً به این نتیجه برساند که این تصمیمات موضوع هیچ گونه ارزیابی اخلاقی ای نیستند.

برای روشن شدن مطلب، از کلمه «پهتر است» برای انتخابی استفاده می‌کنیم که از نظر اخلاقی خوب است (از منظر اخلاقی، توصیه شده است) و از کلمه «جبار» برای معنای دقیق‌تر ازام اخلاقی. اکنون این سؤال را سؤال ر برای سیم: آیا ممکن است مجبور به تولید مثل شد؟ ممکن است موارد دور از ذهنی باشد که می‌توانیم چنین اجباری را تصور کنیم؛ مثلاً اینکه آینده بشر به این بستگی داشته باشد. اما در شرایط عادی، تر چه؟

فرض کنید برای تربیت یک کودک آینده‌دار، در موقعیتی قرار می‌مانی: هشتتید؛ تحصیلات کافی داشتی؛ وضع مالی خوب داشتی؛ حمایت اجتماعی کافی داشتی و غیره... (البته منظورم از این نیست که نداشتن هر یک از این مزیت‌ها، لزوماً جلوی شکوفایی کودک را خواهد گرفت؛ فقط می‌گویم اینها مزیت هستند، چون احتمال شکوفایی کودک را افزایش می‌دهند). همچنین فرض کنید که فردی مهربان هشتتید و قطعاً اگر بجای داشته باشیدی، به او عشق زیادی می‌ورزیدی و اهمیت زیادی می‌دیدید، اما آن‌قدر نسبت به چشم‌انداز، پشیمانی‌ها و دسویه‌ها در یادِ چون در زندگی‌تان، بسیاریِ دلبستگی‌ها و طرح‌های دیگری دارید که در صورت بچه‌داری (حفاظت از حدی) از آنها محروم می‌شوی.

در این شرایط، اگر به‌جای داشته‌باشید به احتمال زیاد زندگی خیلی خوبی خواهد داشت. به نظر می‌رسد وضعیت خیلی خوبی است؛ زندگی‌های خود و شکوفایی انسان‌ها قطعاً بهتر شدن دنیا می‌شود. اگر دو دنیا ممکن را تصور و ارزیابی کنید کدام یک از منظر اخلاقی بهتر است، قطعاً قضاوت‌تان متأثر از این خواهد بود که کدام یک زندگی‌های شادتر و شکوفاتری را نسبت به زندگی‌های تیره‌بخانه یا حتی خشن دارد.

برخی فیلسوفان نگران آزادی تولید مثل هستند. و چنین آزادی‌هایی را می‌کنند. ظاهراً این است که این است که اگر به وجود آوردن یک زندگی شاد چیز خوبی باشد، آنگاه می‌توان به این نتیجه رسید که زنان دارای موقعیت‌های مناسب باید مرتباً نوزادانی شاد را برای خیر بزرگ تر به دنیا بیاورند.

همه نوع عاملی وجود دارد که می‌تواند به هر معقول، بر انتخاب‌های شخصی شما در مورد تولید مثل تأثیر بگذارد. هر نوع تمام این انتخاب‌ها احساسی است که راجع به آن دارید و اینکه چشم‌انداز به‌جای‌گرفته در امیدها و برنامه‌های گسترده تر زندگی‌تان می‌کنند.

سخن این است که علاوه بر این دلایل واضح و مشخصی، دلایل منحصر اخلاقی‌ای هم وجود دارد که باید مدنظر قرار گیرد؛ چون ما می‌توانیم تصمیم‌انمان در مورد تولیدمثل و همچنین دیگر تصمیم‌ها ارزش قابل توجهی در آن‌ها نمایم.

نقل از ترجمان / نوشته: ریچارد چپل /
ترجمه: علیرضا شفیعی نسب / تلخیص:
سیمین جم / مرجع: وبسایت ایان

آیا دعوت یک بچه به این دنیا
از هم گسیخته کاری اخلاقی است؟ برخی
تر جیح می دهند بچه دار نشوند. این
تصمیم همچنین در دهه های اخلاقی
برمی انگیزد: آیا امتناع از بچه دار شدن
«خودخواهی» است؟ اینها مسائلی شخصی
است و ربطی به دیگران ندارد، اما هر یک
می توانند بخشی از خود برسیم: باید چه
کار کرد؟ آیا ملازمات اخلاقی ای وجود
دارد که باید در این باره مدنظر بگیریم؟

بسیاری از مردم می‌خواهند چچه داشته باشند. اما ممکن است این سؤال برایشان پیش آید: آیا دعوت یک چچه به این دنیای ازم‌گسسته کاری اخلاقی است؟ دنیایی که در آن ممکن است از آسیب‌ها و بی‌عدالتی‌های زیادی رنج ببرد (در آنها شرط کند). برای هر یک از این توجیه می‌دهند، چچه‌ها فراموشند. این تصمیم مهم‌ترین تئریه‌های اخلاقی‌ای برمی‌انگیزد: آیا امتناع از چچه‌ها درشدن «خودخواهی» است؟ آیا کسانی که چچه‌ها ندارند نمی‌توانند به یک دنیای بشریت و به ساختن دست‌بست بعد کنند؟ چچه‌ها که هر کس از دست‌بست بریاید، باید انجام دهد.

شاید سوسه شویم که چنین سؤالاتی برای مردم بدبینیم، آن هم به این دلیل که بچه داشتن و نداشتن مسئله‌ای شخصی است. قطعاً به هیچ کس ربطی ندارد. نه وظیفه دولت و نه جامعه است که به کم بگویند در این مورد چه کنند. این سؤال قطعاً در «حوزه شخصی» است. درست است. این امر مسئله‌ای شخصی است و ربطی به دیگران ندارد که برایان تصمیم بگیرند اما این بدین معنا نیست که اخلاقیات را بر مبنای این سکوت می‌تند ما هر یک می‌توانیم شخصاً از خود پرسیم: باید چه کار کنیم؟ اما ملاطحات اخلاقی‌ای وجود دارد که باید در این باره مدنظر بگیریم؛ اما ملاطحاتی که می‌توانند ما را راهنمایی کنند تا مسیر خود را در این سؤالات بسیار جدی و بسیار شخصی ایجاد کنیم و این چنین پرسوچوی اخلاقی‌ای را بدین جهت، پاسخ‌هایی که به آنها می‌رسیم ممکن است ما را شگفت‌زده کنند.

یا این انصاف در حق کودک است که به زندگی ای آورده شود که لزوماً دارای درد و ناراحتی و رنج و سردرد زیادی خواهد بود؟ می توانید انتظار داشته باشید که زندگی کودکان مملو از شادکامی، خشنودی، لذت و عشق باشد. با این حال بسیاری افراد در این مسئله هم نوعی عدم تقارن می بینند. ممکن

است. فکر کنید که آسیب نرساندن به هر مرد، مهم‌تر است. فکر کنید که مثبت به نه‌هاست. برخی از ما هیچ‌گاه پیش‌تر نمی‌روند و از آن‌ها می‌کنند که ما هیچ دلیل اخلاقی ذاتی‌ای نداریم که زندگی‌های شاد دیگری را به وجود بیاوریم (آنها ادعا می‌کنند که چنین کاری از نظر اخلاقی خست‌ناپذیر است). اما قطعاً اولین راه به وجود بیاوریم که زندگی‌های شاد را به بدبختانه‌ای‌ها به وجود نیاوریم. اگر این درست باشد، یک زندگی شاد جدید از نظر اخلاقی خست‌ناپذیر است. ولی یک زندگی تیره‌بختانه جدید از نظر اخلاقی بد است. اگر هر زندگی واقعی‌ای حاوی ترکیبی از شادگامی و تیره‌بختی است (بر اساس این عقیده، ترکیبی از خشنی و بد است) آنگاه این نتیجه به دست می‌آید که به قول زندگی‌های شاد، فیلسوف اهل افریقای جنوبی، هر زندگی واقعی‌ای از مجموع بد است.

چنین نتیجه گیری از خیلی عجولانه است. مدام معقول نیست که بگویم یک زندگی عداوت دارد، هر چه با درس‌های گاه و بی‌گاه در مجموع، زندگی بدی است. یک جای این استدلال می‌لنگد. شاید منظور که در ادامه استدلال خواهم کرد، باید ادعاهای فردی من بری عدم تفران میان شادمانی و درمیختن را رد کنیم و دلایل اخلاقی ذاتی‌ای برای وجود داشتن زندگی‌های شاد بیاوریم. تا زمانی که می‌توانید انتظار داشته باشید که برای کودکان زندگی در کل، مثبتی فراهم کنید (زندگی که از نظر او، در هر حال، رشته‌اش نیست)، به وجود آوردن بچه به‌خاطر خود او کاری اشتباه نخواهد بود.

تمایز فائل شدن میان مسائل اخلاقی اول شخص و مسائل اخلاقی سوم شخص اهمیت زیادی دارد: فرق است میان اینکه من چه کاری

بر خلاف القای جنجال برانگیز جریان های سنائی و کنار کشیدن نهادهای مسئول از انجام وظایف خود با توجه به فقدان اراده لازم و کافی جهت مقابله با بدحجابی و بی حجابی در اجتماع و انظار عمومی، قوانین جمهوری اسلامی ایران مقررات معتبر و نافذی دارد که از دید بسیاری از اشتباه یا به طور عدم پنهان مانده است. به همین خاطر، اجرای این قوانین و مقررات، گامی مفید و مؤثر در تسهیل و یاریابی با پدیده بی حجابی می باشد.

■ اهمیت حجاب از منظر فرهنگی و اجتماعی

بررسی و تحلیل می‌باشد. هر چند مسائل مربوط به زنان را جدا از مسائل مردان نمی‌توان شناسایی و بررسی کرد. این دلیل که این طیف زنان را دیگر گفت‌وگذاران و مجریان قانون در جامعه و از سوی دیگر زنان و دیگر اقشار جامعه را به خود مشغول کرده است. مهم‌ترین مسائل مربوط به رعایت حجاب اربابان فرهنگی می‌توان این باشد که به لحاظ سنجش‌های اساسی از اهمیت ویژه می‌باشد. گفته شهید مرتضی مطهری (ره)، ریشه اصلی و اساسی حجاب در دین اسلام این است که «اسلام می‌خواهد انواع و اقسام لذت‌های جنسی، چه جسمی، جسمی و چه نوع دیگر، به اختیار خودی و در کار دراز قانونی اختصاص ندهد و این اجتماع مخصوص ارباب را که فعالیت باشد».

باین دیدگاه که حجاب یکی از مسائل مهم فرهنگی و دینی کشور ما محسوب می شود، به قانون تبدیل شده و در نتیجه می توان گفت نوع قانون عملی بر وجود یا عدمین حجاب، در چارچوب قانونی آن قابل تعریف و توجیه خواهد بود. از این جهت، مخالف و ایستادگی در برابر آن به هر شیوه ای، به معنی قائل گریزی و مخالفت با نوع تفسیر می شود. البته باید توجه داشت هر قانونی ممکن است نواقص و محدودیهایی داشته باشد و گاهی باعث مدعی بیش از حد یا بی تفاهوت شدید نسبت به آن می شود و ولی اینها در تمام این مسائل و مشکلات به معنی دیده گرفتن کنار گذاشتن قانون نیست؛ زیرا قانون بد، به مراتب بهتر از بی قانونی است. مخصوصاً زمانی که قانون مبتنی اسلامی باشد، به معنی خاطر تدبیر نفس لازم و ضروری است، اما چاره پسویی از قانون یا حذف آن عقلانی نیست.

*کارشناس ارشد حقوق جزا

بازدارنده باشد.

■ کاهش تعارضات والد-نوجوان با مدیریت صحیح

حال سؤال اینجاست که چگونه می‌توانیم تعارضات را مدیریت کنیم؟ در دلیل مشاهده در خود، درآمدی در هنگام تعارض و اهمیت تعارضات را مطالعه می‌کنیم. فرایند تعارض و توجه پژوهشگران را در نظر گرفته‌است. گروهی از نظریه‌پردازان، وقوع تعارض در تعاملات روزمره والدین و نوجوان امری طبیعی و بهنجاری می‌دانند که ناشی از الگو طبیعی رشد نوجوان است و معتقدند بر ناسازگاری پدیدهای طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است که فارغ از ساختار و فضای تعاملات خانواده رخ می‌دهد. در هر صورت، برای حل تعارض و بهبود روابط والدین و نوجوان نیاز است که به اتمام پیشگیری‌ها و برنامه‌های مداخلاتی است که بتواند به طور مؤثر به بهبود رابطه و افزایش سازگاری به خانواده‌ها کمک کند.

موضوع اصلی بین نوجوان و خانواده، استقلال است. نوجوانان در سنین متعدّد نشان می‌دهند وقتی والدین به پژوهش خود در باب جدایی از خود مختاری را اعطا می‌کنند، تعارض کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، خشم، محدودیت، تنبیه و منع استقلال، تعارض والد - فرزندی را افزایش می‌دهد. والدینی که به تلاش نوجوان برای جدایی معترای با افزایش استبداد پاسخ می‌دهند، باعث می‌شوند فرزندان تقاضای آنان را کمتر اجابت کند و مبادله‌ای منفی بیشتری بین آنها شکل گیرد. در مجموع، بهترین استادی در این حال که به اصول اخلاقی و انضباطی را به نوجوانان و همچنین بربریزی‌ها و شرایط لازم، تعالیف پذیری و خشم پویایی داشته باشند، چرا که یکی از تکالیف عمده والدین ایجاد محیطی امن و شاد و تشویق کننده برای نوجوان است تا بتواند در شایسته استقلال شخصی به کاوش و رشد اجتماعی، فیزیکی و عاطفی دست یابد.



سبک پوشش

اراده ناکافی در برابر چالش بدحجابی

تکلیف حجاب در جامعه ما روشن است

■ زهرا هنر بخش*

کشور است، به همین خاطر حکومت‌ها برای نشان دادن تکرات دینی و عقاید مذهبی یا سیاسی، در رابطه با طرز پوشش افراد جامعه اعمال نظر می‌نمایند. دین رسمی کشور ایران، اسلام است و از این جهت به عنوان یک کشور مسلمان انتظار می‌رود مبانی و دستورات دین مبین اسلام را در قانونگذاری‌ها و تصمیمات خود در اولویت قرار دهند.

■ فرمایش امام(ره) تکلیف را مشخص کرد

گفت، می‌گوید بعد از پیروزی استقلال اسلامی در ایران باید در تاریخچه قانونی شدن مسئله جابجایی از امام خمینی (ع) درباره حضور زنان در ادارات و اجتماعات فرمودند: «زنان خواهانه اسلامی نباید در آن معصیت بشود. زنان رخت‌های اسلامی نباید زن‌های لخت بپارند، زن‌ها برنودن، اما جابجایی باشند، مانی ندارد، بفرموده امام که بکنند، کلن جابجایی شرعی باشند، با حفظ جابجایی شرعی باشند.» و این موضوع در حالی بود که امام (ع) در یکی از سخنرانی‌هایش در پاریس بیان کردند: «زن هرگز با مهره فرقی ندارد، اگر در اسلام زن باید جابجایی داشته باشد، ولی آن نیست که چادر بپوشد، بلکه زن می‌تواند هر لباسی را که بپوشد، جابجایی را به وجود آورد اختیار کند. مانی توایم و اسلام نمی‌خواهد که زن به عنوان یک شیء و یک عروسک در دست مانی اسلام می‌خواهد شخصیت زن را حفظ کند» و از او سئوایی جدی و کارآمد پرساد: در امامه این سخن بود که کارمندان ادارات رفته‌رفته خود را موظف به رعایت قانون می‌دانند و به مرور زمان رعایت جابجایی به عنوان جابجایی نانوشتنه و به صورت یک عرف در جامعه اسلامی کشورمان رواج یافت.

تدوین قوانین حجاب از سال ۶۲

تا سال ۶۲ قانونی مبتنی بر رعایت حجاب وجود نداشت و می‌توان گفت اولین قانون مصوب در رابطه با پوشش زنان ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ بود که در این قانون آمده بود: «زنانی که بدون حجاب شرعی در

سبک رابطہ

لیلا قاسمی

تعارض والد-نوجوان به اختلاف یا تضاد در اهداف و مخالفت دو جانبه بین والدین و نوجوانان گفته می‌شود که با ناسازگاری، ضدیت یا هیجانات منفی و رفتارهای خصمانه و پر خاشاکانه مشخص و اغلب به صورت بحث‌های دامن‌دار درباره مسائل و موضوعات خاص بین والدین و نوجوان مطرح می‌شود. در رابطه با تعارض، دو بعد کلی مطرح است: فراوانی و شدت. بعد فراوانی به تعداد دفعاتی اشاره دارد که والد و نوجوان مشاجرات کلامی دارند و این مشاجرات از اوایل نوجوانی آغاز می‌شود. بعد شدت به میزان تجربه و ابراز هیجانات و عواطف منفی مربوط است که در واسطه نوجوانی نمود بیشتری دارد. پیامدهای منفی شدت تعارض، بیشتر از فراوانی تعارض بر ناسازگاری‌های نوجوانی، خانوادگی و اجتماعی مؤثر است. نوجوانان در اوایل نوجوانی بیشترین میزان تعارض با والدین خود دارند. دو جهت‌گیری عمده در رابطه با گویاهای ارتباطی خانواده وجود دارد: «الگوی ارتباطی مستبدانه» و «جهت‌گیری گفت‌ووشنو».

در ادامه این نوشته به این موضوع پرداخته‌ایم.

الگوهای شاخص ارتباطی در خانواده

به عنوان یک نظر مستقل می‌پذیرند. در خانواده‌های
جهت‌گیری گفت و شنود بالاتر، هنگام بروز تعارض،
نوجوانان احساسات منفی و تعاملات خصمانه کمتری
را در تعامل با والدین تجربه می‌کنند. در خانواده‌هایی
که جهت‌گیری گفت و شنود دیده می‌شود، پیوند
پذیری خانوادگی و شدت تعارض رابطه‌ی منفی
و مثبت دارد. بدین صورت که تعارض ارتباطی پدر و
مادر، در نوجوان به‌ترتیب کم‌ترین، صمیمیت بیشتر آن
منجر می‌شود و کم‌کم می‌کند که مشکلات، مسائل و